

داده

کسی چه می‌داند شاید
در آخرین لحظات و قبل
از جان دادن تصویر
تولد و کودکی وحید
از مقابل چشمان
مادرش گذشت و
معصومیتی که سال‌ها
پیش با شیشه
برباد رفت

رک



طرح: Imagebank

معصومیت از دست رفته

بعد از چند ماه اقامت در کمپ ترک اعتیاد به خانه بازگشته بود و حریص‌تر از همیشه دنبال خرید مواد بود. بار اولش نبود که به کمپ می‌رفت و شاید خانواده‌اش هم ناامید از ترک اعتیاد وحید، تنها برای این که چند صبحی از مزاحمت‌هایش رها شوند او را به کمپ می‌سپردند و حالا دوباره مثل استخوانی در گلو به جمع خانواده بازگشته بود. ۲۵ سال مصرف مستمر شیشه و قرص‌های روانگردان سلول‌های مغزی‌اش را تخریب کرده بود و به نظر نمی‌رسید راه نجاتی برای او و خانواده‌اش باشد. حضور گاه به گاه وحید در کمپ برای مدتی خیال خانواده را راحت می‌کرد و با بازگشتش دوباره کابوس‌ها شروع می‌شد. این بار اولین نشانه‌های حضور خطر ساز وی در جمع خانواده خودش را وقتی نشان داد که مادرش بدون کفش و لباس مناسب با دیدن چاقو در دست وحید از خانه گریخته بود و چند روز بعد هم دخترش را بدون حجاب و لباس مناسب برای خرید مواد مخدر از خانه بیرون انداخته بود.

یک هفته که گذشت بالاخره خودش دست به کار شد و برای خرید مواد راهی خیابان شد و اول مقداری حشیش کنار خیابان خرید و بعد هم شیشه و ۱۲ قرص روانگردان مصرف کرد و در حالی که سرمست از جبران روزهای محرومیت در کمپ بود به خانه بازگشت و مادرش بی‌خبر از همه جا به خانه آمد و وحید که به خاطر مصرف مواد دچار توهم شده بود با تصور این که مادرش قصد کشتنش را دارد به او حمله کرد. کسی نمی‌داند در خیالات و توهمات شیشه‌ای خود، زن تیره‌بخت را چه دید که بلافاصله او را به قتل رساند و تلاش داشت جسد را در یخچال جا بدهد که موفق نشد و همانجا در آشپزخانه پیکر خونین مادرش را رها کرد و چند ساعت بعد خبر قتل فجیع زنی سالخورده توسط پسر معتادش به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد. کسی چه می‌داند شاید در آخرین لحظات و قبل از جان دادن تصویر تولد و کودکی وحید از مقابل چشمان مادرش گذشت و معصومیتی که سال‌ها پیش با شیشه بر باد رفت.

اشتباه‌های زندگی با معتادان صنعتی

سروان سمانه مهربانی، روان‌شناس و کارشناس آموزش همگانی پلیس آگاهی پایتخت در این باره می‌گوید: مشکلات زندگی‌تان را یا حل کنید و یا رها کنید ولی با آن زندگی نکنید. شاید بزرگ‌ترین اشتباه خانواده وحید این بود که هیچگاه اساسی به حل مشکلات خود نپرداخته و با روش‌های درمانی غیر علمی و غیر تخصصی فقط باعث شده بودند با گذر سال‌ها اعتیاد وی عمیق‌تر شود و با رضایت به حضور او در جمع خانواده به عنوان استخوانی در گلو سال‌ها با تلخی اعتیاد و آسیب‌های آن به سر برده بودند. وی افزود: درمان ریشه‌ای اعتیاد زمانی محقق می‌شود که درمان پزشکی با درمان روانپزشکی و خدمات مشاوره و مددکاری همراه باشد و سم‌زدایی محض در کمپ‌ها کمکی به حل مسئله نمی‌کند. سم‌زدایی زمانی که با انگیزه روانی همراه نباشد تنها فرد معتاد را حریص‌تر می‌کند. همچنین یکی از اشتباه‌هایی که افراد در زندگی با فرد معتاد مرتکب می‌شوند بی‌توجهی به علائم هشدار دهنده است. با وجود این که پلیس سال‌ها از طریق آموزش همگانی به شهروندان نشان داده توهمات یک فرد شیشه‌ای چه فجایی را به دنبال دارد باز هم عده‌ای فکر می‌کنند می‌شود به زندگی با او زیر یک سقف ادامه داد. عاقلانه‌ترین کار برای زنی که با اعتیاد همسرش به مواد صنعتی روبه‌روست این است که با روش‌های علمی و تخصصی در مسیر درمان وی گام بردارد یا از ادامه زندگی مشترک صرف‌نظر کند. اعتیاد زخمی است که با گذر زمان عمیق می‌شود و حتی فردی که اقدام به ترک می‌کند تا مدت‌ها در معرض لغزش و بازگشت قرار دارد و باید زیر نظر روان‌شناس دوران پس از ترک را پشت سر بگذارد و مورد حمایت عاطفی خانواده باشد.

شکنجه تا مرز مرگ

دستگیری مردان خشن که مالباختگان را تا مرز مرگ شکنجه می‌دادند، خاطره یکی از قضات مشهد است

خاطره جنایی

چک‌ها از حسابم پول برداشت کرده‌اند.» تحقیقات برای دستگیری عاملان این سرقت خشن آغاز شد. ماموران بلافاصله راهی خانه‌ای شدند که مرد میانسال مورد شکنجه قرار گرفته بود، اما مشخص شد خانه ویلایی اجاره‌ای بوده و بعد از این ماجرا توسط اعضای باند تخلیه شده است.

در حالی که بررسی‌ها در این خصوص ادامه داشت، با شکایت‌های مشابه مواجه شدیم. اعضای این باند، دختران و زنان جوان را طعمه قرار داده و با ترفندهای مختلفی این طعمه‌ها سوار بر خودروهای مدل بالا شده و صاحبان خودروها را به شکنجه‌گاه‌هایشان می‌کشاندند و با تهدید و شکنجه پول‌های زیادی از آنها می‌گرفتند.

شکایت‌ها بیشتر شد و در یکی از آنها مرد میانسال را دست و پا بسته پس از سرقت در جنگل رها کرده بودند. تحقیقات ویژه برای شناسایی و دستگیری اعضای این باند ادامه داشت اما هیچ رد و سرنخی از آنها در دست نبود.

دستورات متعددی برای شناسایی اعضای باند داده شد. یکی از آنها رصد وزیر نظر گرفتن محل‌هایی بود که دختران و زنان جوان سوار بر خودروی مدل بالا شده بودند. در ادامه بررسی‌های سرنخ‌هایی به دست آمد که موفق شدیم به مخفیگاه اعضای این باند برسیم.

شدت مرا شکنجه کردند. بعد از این که حسابی مرا کتک زدند مجبورم کردند آنچه را که می‌خواهند انجام دهم.

طبق خواسته آنها با یکی از دوستانم که نمایشگاه اتومبیل داشت تماس گرفتم و به او گفتم نیاز به پول دارم و خودروام را به یکی از دوستانم می‌دهم تا به نمایشگاهت بیاورد. می‌خواهم آن را بفروشم و تا پیدا شدن مشتری ۱۰۰ میلیون تومان به عنوان بیعانه به من بده.

دوستم هم قبول کرد، یکی از سارقان سوار خودروی من شد و به آدرسی که داده بودم رفت. به این طریق ۱۰۰ میلیون تومان پول به دست آوردند. بعد از آن مرا مجبور کردند چند برگه چک امضا کنم و چون مقاومت مرادیدند دوباره کتکم زدند و من دیگر متوجه چیزی نشدم.

تا این که در بیمارستان چشم‌هایم را باز کردم و متوجه شدم آنها چند میلیون تومان هم به واسطه همان

چند سال قبل بود که جسم نیمه‌جان مرد میانسالی در مقابل یکی از بیمارستان‌های مشهد پیدا شد. رهگذری متوجه مرد میانسال شده بود و بلافاصله به اورژانس بیمارستان خبر داده بود.

مرد میانسال به بیمارستان منتقل می‌شود و تحت درمان قرار می‌گیرد، پس از بهبود، ماموران پلیس مشهد سراغ او می‌روند و او حادثه‌ای را که برایش رخ داده بود اینطور بیان می‌کند: «شب حادثه دختر جوانی را در کنار خیابان که منتظر خودرو بود، دیدم.

از آنجا که هوا تاریک شده بود او را سوار خودروام کردم؛ دختر جوان از مشکلاتش گفت و صحبت‌هایش باعث شد دلم به حالش بسوزد. برای کمک به او تصمیم گرفتم کاری برایش پیدا کنم.»

او ادامه داد: «دختر جوان که از حرف‌های من خوشحال شده بود مرا به داخل خانه‌اش دعوت کرد. به محض ورود به خانه چند مرد روی سرم ریختند و بعد از بستن دست و پا و چشمم، به